

تکفیر، جریان‌ی سیاسی است، نه اعتقادی

تکفیر علاوه بر مسلمانان، تمام دینداران عالم را تضعیف می‌کند

جهانی میان روحانیون ادیان ابراهیمی است. وی تکفیر را بیش از آن که جریان‌ی دینی بدانند سیاسی دانسته و دستان غرب را پشت تکفیرهای اخیر در کار می‌بیند. غرویان معتقد است تکفیر هم مسلمانان را ضعیف می‌کند و هم تمام دینداران عالم را. مصاحبه «جام‌جم» را درباره تکفیر با وی در پی می‌خوانید.

محسن غرویان از چهره‌های شاخص در فلسفه اسلامی است و تاکنون از وی ۴۰ اثر به زور طبع آراسته شده است. این استاد حوزه و دانشگاه علاوه بر تولید علمی به اظهار نظر در مسائل سیاسی و اجتماعی نیز پرداخته و از روحانیون درجه اول جریان اصولگراست. چاره بحران تکفیر از نظر غرویان تشکیل جمعی

مسیحیان هم چند دسته‌اند؛ کاتولیک‌ها، ارتدوکس‌ها و پروتستان‌ها. کاتولیک‌ها و ارتدوکس‌ها چون سنت‌گراها هستند مساله تکفیر را دارند، اما پروتستان‌ها بحث تکفیر را ندارند، لذا میان مسیحیان همین اختلاف دیدگاه و مشرب وجود دارد. به هر حال تکفیر یک بحث نسبی است. هر کسی خود را بر حق می‌داند و دیگران را در واقع بر باطل قلمداد می‌کند و بر این مبنا تکفیر صورت می‌گیرد و باید برای این مساله راه‌حلی پیدا کرد. علمای درجه اول فرقه‌ها و ادیان مختلف باید با هم بنشینند و حدود مرزها را مشخص و قوانین و مقررات و فتاوا‌ی جدیدی را در بحث تکفیر مطرح کنند.

چند روز پیش اینجانب با متکلمین کاتولیک الهیات مسیحی که از یک دانشگاه آمریکایی بودند، در قم جلسه‌ای داشتم. همین مساله مطرح شد. به نظر ما باید یک مجمع جهانی از علمای درجه اول ادیان مختلف تشکیل شود و یک روز را به عنوان روز ادیان ابراهیمی مشخص بکنند و پیشنهادش در این روز، روز تولد حضرت ابراهیم باشد و این مرز کشی و اختلافات بین ادیان کمتر شود.

ما امروز شاهدیم تکفیر چهره خشنی از اسلام ارائه می‌کند. به نظر شما آسیب‌هایی که جریان تکفیر به اسلام وارد می‌کند، چیست؟

من فکر می‌کنم آسیب مهم و اساسی تکفیر همین تکه‌پاره کردن مسلمین و جهان اسلام باشد. ما شاهدیم تکفیر به تکه‌پاره کردن متدینان عالم می‌انجامد. ما در اینجا یک بحث درون دینی و یک بحث برون دینی داریم. در بحث درون دینی شاهدیم مسلمین با بحث تکفیر تکه‌پاره می‌شوند و قدرتشان ضعیف شده و استعمار و استکبار هم همواره از این حربه استفاده کرده و می‌کند. در بحث برون دینی در روابط بین ادیان هم تکفیر باعث می‌شود متدینان در سراسر کره زمین تکه‌پاره بشوند و بی‌دینی، لائیسیتیه و بی‌خدایی و بی‌اعتقادی به مبدا و معاد در دنیا رشد بیشتری بکنند.



تکفیر این انتقاد را دام‌ن می‌زند. حامیان اسلام اصیلی که در آن آزادی بیان یک ارزش است، چه باید بکنند؟

اگر کسی منکر ضروریات دین بشود می‌تواند تکفیر شود و البته ما در باب ضروریات دین بحث داریم که اینها شامل چه مواردی می‌شود. از این رو ما فقهایی داریم که قائل به تکفیرند و اگر کسی منکر ضروریات دینی شود، مورد تکفیر این دسته از فقیهان قرار می‌گیرد. مثلاً اگر کسی خدا یا معاد را انکار کند، مورد تکفیر واقع می‌شود. اما از سوی دیگر اگر کسی بحث بکند و انتقادی داشته باشد اما در مقام انکار نباشد و تنها شک و تردیدها و پرسش‌هایی داشته باشد که مطرح کند ما نمی‌توانیم اینها را تکفیر کنیم و بالاخره اگر کسی سوال و پرسشی داشته باشد نباید مورد تکفیر واقع شود.

بنابراین ما باید بحث اغراض سیاسی را از مسائل علمی و فکری جدا کنیم و آزادی بیان و عقیده در حوزه فکر و علم و اندیشه مورد تأیید اسلام است. بحث تکفیر و احکامی که در فقه برای فرد مرتد و ارتداد بیان شده جنبه سیاسی دارد و جنبه عقیدتی ندارد.

آیا تکفیر میان مسیحیان نیز وجود داشته است؟

آیا تکفیر جایی در مبانی اسلامی دارد؟

ما روایاتی داریم کسی که منکر ضروریات دین بشود، کافر است و تکفیر به معنای نسبت کفر دادن است، اما چنین مساله‌ای که فرقه‌ای فرقه دیگر را کافر بشمارد، میان فرق اسلامی سابقه نداشته است. میان علما و فقها به طور قاطع در این زمینه فتوایی وجود ندارند.

این که الان فرق وهابی و سلفی، شیعیان را تکفیر می‌کنند، بر اساس اغراض سیاسی است که دارند و دلیل فقهی و دینی برای این اقدام وجود ندارد. استعمار هم همیشه از همین حربه تکفیر برای اختلاف‌افکنی استفاده کرده و الان در مصر، سوریه، عراق و کشورهای اسلامی از همین حربه تکفیر برای تفرقه‌افکنی و رسیدن به مطامع سیاسی خودش استفاده می‌کند.

در تاریخ اسلام شاهد حضور خوارج و استفاده این فرقه از تکفیر هستیم. آیا این گروه برای تکفیر منبع دینی داشته‌اند؟

خوارج کسانی بودند که ولایت امیر المومنین علی ابن ابیطالب (ع) را نپذیرفتند و معروف به خوارج شدند. همان زمان هم این گروه ریشه سیاسی، اقتصادی و اغراض دنیوی داشت. مساله تکفیر همان طور که اشاره شد در کتب فقهی سابقه ندارد. ما وقتی به دوران نزول مراجعه می‌کنیم، می‌بینیم وقتی پیامبر (ص) ظهور کردند برای این که مسلمانان از دین اسلام خارج نشوند و تحت تأثیر کفار مسیحی و یهودی آن زمان قرار نگیرند، احکامی صادر کردند برای این که جامعه اسلامی محفوظ بماند. اما این که فرق اسلامی همدیگر را تکفیر بکنند، مبانی محکمی ندارد و بعد خود مسلمانان فرقه فرقه شده و به جان هم افتادند. الان ما باید مواظب باشیم گرفتار این توطئه تفرقه‌افکنی به نام تکفیر نشویم.

برخی اندیشمندان مانند شهید مطهری پیشنهاد ایجاد کرسی مارکسیسم را داشتند و اکنون برخی اسلام را به مخالفت با آزادی بیان متهم می‌کنند. وجود جریان